



اول حمل ۱۳۹۵

اعلامیه نوروژی

نوروز ، جاری در سیلاب های خون

افغانستان با سی هفت سال درد سی هفت سال بحران ، با تن خونآلود وارد نوروز ۱۳۹۵ می گردد... کشور ما با تحمل تلفات مادی و معنوی از هفت خان خون و نوروز گذشته است اما هنوز هم در خان های تازه و تازه تر گیرمانده است. یک ماه و هفت روز بعد از نوروز ۱۳۵۷ ، مردم ما در آتشفشان فاجعه ثور علتانده شد و این کودتا ، به سرچشمه خون و سرآغاز هرگونه تباهی و یورش های مستمر مبدل گردید... بعد از چهارده سال کشتار و بربادی ، بالاتر قطع کمک ها از خارج و فشار از داخل ، دولت دست نشانده ، بدستور بخشی از بیروی سیاسی بوسیله جنرالان چهار ستاره حزبی ، با چشمان پُت و سرهای خمیده ، به بخشی از تنظیمهای جهادی دو دسته تسلیم داده شد {البته بر مبنای گرایشات قومی} و از این به بعد ، تا چهار نوروز دیگر ، همه آسیاب های مملکت با خون چرخانده شد {بوسیله همه تنظیم های جهادی} تا اینکه تنظیم ها بعد از ویران کردن کابل و کشتار هزاران هزار انسان ، کابل ویران را با فرار خویش ، به طالبان تسلیم کردند تا جویبار خون ، بی حرکت نماند. امارت طالبان به زور کبیل و قمچین ، آزادی زن ، نوروز ، مطبوعات... و تکنالوژی مدرن را ممنوع و حرام اعلام نمود. جنگ را برای تسلط سرتاسری ادامه داد و جامعه را از جهات مختلفه به خفره های خونین قرون وسطی راند...

امارت طالبان سقوط کرد و اداره کرسی بوسیله ده ها کشور خارجی بویژه امریکا تأسیس گردید. حافظه مردم که پر از ضربات خونین و سرکوبگرانه خلقی ، پرچی ، تنظیمی و طالبی بود ، اینک لایه های دیگری از فاجعه و تباهی برویش گشوده می شود. در میان ده ها نوع آزادی های فرمالیته ، نوروز نیز سر از غار های ممنوعه بیرون کرد. جشن آسیب کشیده نوروز در آخرین روز های حامد کرسی تا تپه پغمان نیز رسید. حامد کرسی طی سیزده سال پادشاهی ، در هر نوروز طالبان را برادران ناراضی نامید و توجه طالبان را به ارزش های سال نو و نوروز فرا میخواند و طالبان نیز با ارسال انتحاری های بیشتر ، گسترش مین گذاری ها و حملات بهاری ، دهن دولت و رئیس جمهور را با مس ، سرب و باروت تا سخنرانی های سال دیگر ، خاموش می ساختند... نوروز در افغانستان ، از طرف طالبان به نهاد جنگ های بیشتر و خونینتر تبدیل ساخته شده است.

دولت ریشخند شده و حشت ملی ، بر شانه فساد ، چپاول و تقلبات انتخاباتی بوجود آورده شد. مردم میدانند که این دولت ، مرده تولد شده است. این دولت با سؤمدیریت ، فساد گسترده ، کشمکش هاروی چوکی ها ، وابستگی غلیظ

و ده ها مرض مهمن دیگر مصاب است ، و اضافه بر اینها با پدیده جدیدی بنام داعش نیز مواجه می باشد. مردم بیاد دارند که چرا امریکا که با بیش از صد هزار عسکر و افسر مهالک ، به افغانستان هجوم آورد ، افغانستان را به ویرانه تاریک و به جایگاه جشن خفاشان تبدیل کرد ، مردم ما و بشریت مطلع هستند که امریکا ظاهراً بخاطر رسیدن به سه هدف عمده با طیارات بی 52 خود طالبان را از صحنه قدرت سیاسی بیرون انداخت :

نابود کردن تروریسم (طالبان)

نابودی تریاک

ایجاد دولت مدرن سالم

اما چرا بعد از چهارده سال ، طالبان بجای اینکه نابود شوند هنوز هم مست و قویتر ساخته شده اند ، تریاک نه تنها نابود نشد بلکه هر سال گراف تولید آن بالا برده شد ، بجای دولت مدرن سالم ، دولت قومی و تنظیمی پیشا مدرن را با مسخره آمیز ترین شکل آن ایجاد کرد...

سال ۱۳۹۵ ، از زمستانش پیداست . گراف خشونت طالبان رو به بالاست و ارگ نیز خودش به خزانه مرگ و توطئه تبدیل شده است . پای داعش از ولسوالی اچین به میمنه رسیده و این نیروی پروژه بی ، مطابق نقشه منطوقی ، برای ایجاد خلافت خراسان ، آستین بر زده است . پرسش این است که افغانستان با داشتن : یک دولت ضعیف و رسوا که فقط روی تقسیم چوکی ها گرم زدو خورد اند ، چگونه می توانند در سال جدید در مقابل جنگ های بهاری طالبان و داعش ... ایستادگی نمایند ؟ در وضعیت اسفناک کنونی آیامی توان حدس زد که افغانستان در سال جدید به کدام سو می رود ؟

چند احتمال ممکن :

1 . صلح با طالبان : درین پروژه این احتمال موجود است که عده ای از مهره های سوخته و تاریخ تیرشده طالبان { مانند ده ها چهره سرشناس طالب که طی 14 سال در کابل موجودند } به بدنه دولت اضافه شوند و دولت وحشت ملی بیشتر از پیش ضعیف و خالی تر ساخته شود .

2 . نیروهای جنگی و جوان طالبان با داعش ادغام گردد یا اینکه مطابق پروژه داعش ، موازی با داعش ، در جنگ افروزی بگونه هماهنگ سهم بگیرند . البته بخش های از دولت نیز در پروژه های منطوقی فیدخل میباشند و طالبان را تجهیز و حمایت مینمایند . { ظاهر قدیر وکیل در پارلمان ، اظهار داشته که کسانی در ارگ هستند که داعش را در ننگرهار تقویت می کنند }

3 . ضعف شبکه ای دولت { که خودش به حیث یک پروژه همین گونه دیزاین شده است } آنجا ادامه یابد که موجبات جنگ داخلی (جنگ قومی و تنظیمی) را فراهم سازد . اصطکاک بین تنظیمها و تکنوکرات های دولتی و مافیای مواد مخدر ، گروه های مختلفه ... هیزمی است که می تواند در نبود یک دولت مقتدر ، جنگ داخلی را فروزان سازد .

4 . داعش به حیث یک نیروی جنگی ، یک پروژه ناکام است و در افغانستان بدلائیل مختلفه ای نمی تواند مثل طالبان تا مدت های طویل ، بحران بیافریند و به آنسوی آمو خیز بزند . اما داعش می تواند با استفاده از ضعف دولت ، دریای آمو را از خون بیگناهان سرخ بگرداند .

5. احتمال نکان خوردن مردم و اهل درد و آگاهی

چون مردم ، اهل سواد و تحصیل ، سیاسیون آگاه و دلسوز افغانستان به ستوه آمده اند ، امکان این موجود است که از درون این خاکستر ها و آتش ها ققنوسوار برخیزند. تمامی نیروهای سالم ، آگاه و عدالتخواه ، دست بدست هم داده و یک نیروی پر قدرت و نجاتبخش را ایجاد نمایند. نیرویی که بتواند به : دولت های ضعیف ، تریاک ، فساد ، خودکامگان افراطی نقطه پایان بگذارد. همین اکنون در کابل و برخی از نقاط کشور ، شخصیت ها و نهاد های معترض ، خیزش ها و اعتراضات کتلوی وجود دارند اما اگر این ظرفیت ها برای حفظ کشور و حیثیت خود و مردم ، متحد نشوند ، نروز های خونین دیگری را شاهد خواهیم بود.

هیچ نیرویی نمی تواند ملت متحد را نابود سازد ، اما ملتی که توتۀ توتۀ باشد به عامل بیرونی دیگری نیاز ندارد تا نابودش کند ، پراگندگی خودش کافی است تا آهسته آهسته به زوال برسد. ما درست در همین نقطه یعنی زوال تدریجی قرار داریم اگر بخاطر اتحاد ، کار نکتیم و ملت را به ملت متحد تبدیل نسازیم ، آینده افغانستان یک آینده تاریک و خونین باقی خواهد ماند.

هیأت اجرائیہ

فدراسیون سازمان های پناهندگان افغان در اروپا (FAROE)